

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی

۲۶ اگست ۲۰۱۴

یادداشت پورتال:

این تبصره را همکار گرامی ما آقای « محوی » ضمیمه ارسال ترجمه آقای « مزارعی » نگاشته بودند. از آنجائی که آن نوشته را از طریق دیگر نیز در اختیار داشتیم، خواستیم تبصره را به شکل ضمیمه به نشر برسانم، بلکه بنا بر اهمیت هر دو بحث هریک را مفردانه منتشر نمودیم، امید ابتکار ویراستاران پورتال مورد قبول ایشان نیز قرار بگیرد. ناگفته نماند که انتخاب عنوان برای یادداشت آقای « محوی » از پورتال است:

[ابراز سپاس از زحمات دایمی رفیق مزارعی]

با سپاس از زحمات دائمی رفیق احمد مزارعی که خارج از طیف اپوزیسیون های خائن و مزدور فعالیت دارد، خیلی سریع و مختصر یادآوری چند نکته را در رابطه موضوع ترور دانشمندان ایرانی و عراقی توسط موساد و ایالات متحده ضروری می دانم. ابتداء در مورد تعداد دانشمندان عراقی بر اساس تعداد پرونده ویدئویی در یوتوب، کمی بیشتر از ۵۰۰ نفر بوده و همه آنها نیز دانشمند یا متخصص انرژی هسته ئی نبوده اند، بین آنها پزشک و نویسنده روشنفکر و غیره نیز بوده اند. به همین گونه به استادان و متخصصان ایرانی به قتل رسیده توسط موساد/ایالات متحده/ناتو قتل (اگر خاطره ام به من خیانت نکرده باشد) ۵ تن از تکنسین های ارتش نیروی زمینی ایران را نیز باید به فهرست قربانیان استعمار در ایران استعمار زده بیفزائیم که گویا هنگام تعمیر یکی از ایستگاه های برق در کردستان مورد حمله قرار می گیرند.

از دیدگاه من، و با توجه به تحلیل هائی که تا کنون مطالعه کرده ام و نوشته ام، به این نتیجه رسیده ام که تمرکز روی «دانشمندان اتومی» به قتل رسیده، اشتباه است، زیرا هدف اصلی این ترورها به انرژی اتومی منحصر نیست بلکه اگر امپریالیست ها هرچه ظاهراً روی تولید انرژی در ایران تمرکز کرده اند ولی هدف اصلی کلیت دیگری است که ما آن را نیروهای مولد می نامیم (در تمام زمینه ها).

بازدیدهای دیدبانان آژانس بین المللی انرژی هسته ئی مطمئناً در این ترورها دخالت داشته است و به همین علت حالا در پی بقیه اسامی هستند و این خود به تنهایی نشان می دهد که بازدید از مراکز اتومی ایران یک پوشش ریاکارانه و جنایتکارانه بیشتر نبوده است.

با توجه به چنین وضعیتی است که باید امیدها و لبخندهای گروه مذاکره کننده دولت جدید رئیس جمهور حسن روحانی را در چشم انداز ببینیم.

برای شناخت عامل و یا عوامل این کشتارهای هدف گیری شده - که شاید با تمام تصادفات اتومبیل در ایران (مقام اول در جهان) و تمام «شهداء» در طیف نیروهای انتظامی علیه مواد مخدر که تعدادشان سالانه فراتر از تمام تلفات امریکا طی جنگ علیه عراق است، فکر می کنم که باید از تخیلاتمان یاری بجوئیم. شاید که کشف حقیقت الزاماً در پیگیری واقعیت عینی قابل حصول نباشد و ما باید آن را به کمک تخیلاتمان بازسازی کنیم.

تخیل ما چه می گوید : در تمام این موارد، — و برای این که کمی هم آب به آسیاب نظرپرداز ایرانی صادق زیبا کلام ریخته باشیم — «مقصر خود ما هستیم».

من به هیچ عنوان باور نمی کنم که ۱۵۰ میلیارد دالر پول توقیف شده ایران در بانک های خارجی با تباری و همکاری خود جمهوری اسلامی ایران انجام نگرفته باشد.

چند ماه پیش (؟) در واکنش به اعلام مجازات ها، ایران یک کشتی نفت کش عازم اروپا را به لنگرگاه بازگرداند. این واکنش بسیار خوب و به جایی بود، و ما می توانیم تصور کنیم که همین کار را می توانستند برای ۱۵۰ میلیارد دالر بقیه انجام دهند. در شرایط تحریم ایرانی می توانست مدعی شود که پس از پرداخت پول...جنس مورد نیاز را صادر خواهد کرد.

ولی وقتی چنین کاری صورت نمی گیرد، و حتی پس از این همه کشتارهای هدف گیری شده، با لبخند مقابل قاتل شهروندان ایرانی که به پرولتاریای ماهر ایران تعلق داشته اند می نشینند و حتی به آنها امتیاز می دهند، در این صورت تخیل می گوید که این جا باید حساب و کتاب دیگری در کار باشد : اینجا باید یک عامل یا عوامل «سیستمیک» در کار باشد که آدرس آن هم طبقه اول یعنی طبقه بورژوازی کمپرادور است...به علاوه ایدئولوژی اسلامی دستگاه حکومتی دین اسلام در ایران که قدمت آن از جمهوری اسلامی ایرانی خیلی فراتر است. از دیدگاه ایدئولوژیک اسلام اصول گرا علم و آگاهی تنها در صورتی ارزشمند است که بتواند آثار خدا را به ما نشان دهد.

به شکل هذیان آمیز می توانم بگویم که جمهوری اسلامی و دستگاه دین اسلام در ایران و هموطنان نیمه وحشی من، ملت نیمه وحشی ایران، که زندگی در استعمار را به جان خریده اند و منتظر امام زمان هستند و یا در نسخه تصحیح شده این اعتقاد اسطوره ای و بدوی به دنبال امام زمام می روند، تماماً در این توطئه ها شریک جرم هستند. و در تمام این موارد اسفناک نیز رد پای خدا را دیده اند — «شهادت» — ولی شهید در واقع یعنی بی مقدار بودن جان آدمیزاد. بی مقدار و بی ارزش بودن کار انسانی زیرا اوج کار انسانی در ایدئولوژی اسلامی «شهادت» و «ایمان» خلاصه و منسجم و بسته می شود.

مسئله به هیچ عنوان اخلاقی نیست که ما اسرائیل و امریکا را محکوم کنیم و بگوئیم که اینها آدمهای آدمکشی هستند، کار غیر اخلاقی انجام داده اند، دانشمندان ما را کشته اند...البته کار آنها همین است، آنها می خواهند بر جهان مسلط شوند، می خواهند کشور ما را تجزیه کنند و خیلی بلاها می خواهند سر ما بیاورند. مسئله اینجاست که ما برای مقابله با زلزله از چه نوع مصالح و یا زیر ساختی برای خانه هایمان استفاده می کنیم و به چه هدفی؟ برای سود بیشتر برای سرمایه دار و معاملات ملکی و یا برای زندگی...تمایلات امپریالیسم نیز هیچ تفاوتی با زلزله به عنوان عامل مخرب طبیعی ندارد، این تمایلات آن بخش از بهیمیت نوع بشر است که هنوز به تسلط فرهنگ بالنده در نیامده و سرشت آن کاملاً یک سرشت طبیعی است، و در این صورت پاسخ فرهنگی متناسبی را ضروری می سازد، در همان حد که حمله موریانه ها به قبائل هم نوعانشان برای ربودن ذخیره غذایی. ولی ما به زلزله لبخند

تحویل می دهیم، خدا بزرگ است، خدا خواسته، هر چه خدا بخواهد، در مقابله با تهاجم امریکا نیز در انتظار توفان کاترینا هستیم که خدا دچارشان کند که دست از سر ما بردارند که ما در ماه محرم با خیال راحت برای امام حسین اشک بریزیم و سینه بزنیم...برای آمدن باران سفره بیندازیم...در حالی که می توانیم علاوه بر ایجاد رودخانه مصنوعی شمال به جنوب، به کاهش ارتفاع رشته های کوه های مزاحم اطراف ایران در حدی که به تغییر آب و هوایی و افزایش نزولات جوی بینجامد فکر کنیم...باید در کار خدا دست ببریم و خدا را باز نشسته کنیم. ولی ایدلوژی اسلامی + ایدنولوژی بورژوازی کمپرادور در اطراف این دنیاها ممکن نمی گردد. بورژوازی کمپرادور از زیر میز و روی میز معامله می کنند.

حمید محوی. پاریس.